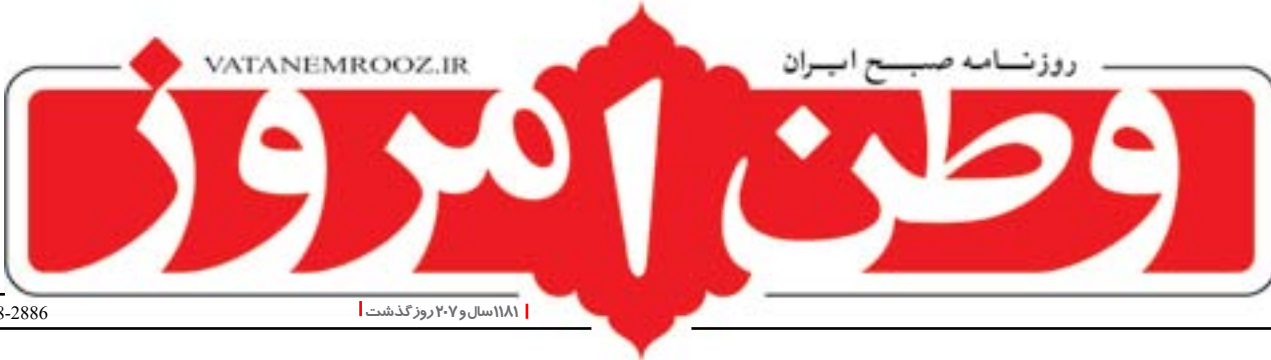


اعتراف عارفانه یا رویکرد انتخاباتی؟

صفحه ۲



ورود جدی قوه قضائیه به ماجرای آسیه پناهی

صفحه ۴

تهران و کاراکاس در تدارک جشن برای موفقیت عملیات نفتکش ها؛ تحول در سر نوشت ملت ایران؛ از شهریور ۱۳۲۰ تا خرداد ۱۳۹۹

ایران پل ساز پیروزی

صفحه ۵



صفحه ۷

واکنش دیوانهوار ترامپ به تجمع مخالفان
نژادپرستی در مقابل کاخ سفید:
هیچ کسی حتی به فنس هم نزدیک نشد
اگر چنین کاری می کردند با شور و ترس سگ ها
و شوم ترین سلاح هایی که من تاکنون دیده ام
از آنها استقبال می شد

همه سگ های رئیس جمهور

گسترش اعتراضات علیه نژادپرستی پلیس
در آمریکا به ۲۲ ایالت: ارتش اعلام آماده باش کرد

تیترهای امروز

پشت پرده یادداشت اخیر پرایان هوک علیه
بخش فارسی VOA و احتمال تعطیلی این شبکه

صدای آمریکا در نمی آید



همین صفحه

«وطن امروز» گزارشی می دهد
دولت پس از ۷ سال به فکر نوشاروری تولید افتاد

تأخیر در تسهیل کسب و کار

■ وزیر اقتصاد: با آغاز به کار پنجره واحد
فیزیکی شروع کسب و کار، اخذ مجوز از ۷۲ روز
به ۳ روز کاهش می یابد

صفحه ۳

تنها ۰/۲ درصد مشمولان سهام عدالت
اقدام به فروش سهام خود کردند

مردم سها مدار عدالت می مانند

صفحه ۲

دوست صمیمی دختر تاشی: پسری که رومیانا را
اعمال کرد، در راه مدرسه عزا هم وی می شنید
بهمن خاوری رومیانا را تهدید به قتل کرده بود

گرگ در لباس عاشق؟

صفحه ۴

تاریخ

ناگفته هایی از آزادسازی جنوب لبنان
فتح المبین آخر زمانی

محمدعلی صدقی: این روزها مصادف است

با سالگشت عقبنشینی ارتش صهیونیستی
از منطقه اشغالی «جنوب لبنان» (یا به قول
بنی اسرائیل: تخلیه جنوب رودخانه لیطانی) در
سال ۱۳۷۹ خورشیدی هرچند در ایران، رویکرد
تبلیغاتی مناسبی نسبت به این حادثه شگفت انگیز
انخاذ شده و از آن به عنوان یک پیروزی بزرگ
مقاومت اسلامی یاد می شود اما باید به جرات
ادعا کرد برخی در کشورمان به دلایل مختلف،
کمترین شناخت را از این حادثه تاریخ ساز
دارند؛ حادثه ای که دلایل تحقیقش، به عنوان
یک مدل مینیاتوری، می توانست الگویی امتحان
پس داده و تضمین شده برای فائق آمدن بر بسیاری
از چالش های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ما طی
۲۰ سال گذشته باشد. البته هنوز هم برای تأسی
به فرزندن متواضع و کوادعی «جبل عامل» دیر
نیست و... بماند بقیه اش که در این مقال مختصر
نمی گنجد. غرض از این چند خط، تنها بازخوانی
مختصری است از آن «فتح المبین آخر زمانی»
معمولا به اشتباه یا از سر تسامح، عقبنشینی
اسرائیل از جنوب لبنان، نتیجه ۱۸ سال مقاومت
مسلحانه ذکر می شود (از تابستان ۱۳۶۱ تا بهار
۱۳۷۹ خورشیدی)، در حالی که این واقعه از زمان
کلید خوردن تاکتیکی در اتاق فکر «حزبالله
لبنان» تا حصول نتیجه نهایی، تنها ۹ سال به
طول انجامید(۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ میلادی). درست
است حزب الله لبنان و روزندگان سیکاسلحه اش،
به طور غیررسمی از سال ۱۳۶۱ و به طور رسمی
از سال ۱۳۶۴ یا در میدان نبرد گذاشتند اما
تاکتیک های به کار رفته در آن طی سال های
نخست، در نهایت اسرائیل را وادار به عقبنشینی
از بیروت و استقرار شمالی فلسطین اشغالی کرد،
لیطانی تا مرزهای شمالی فلسطین اشغالی کرد،
آن هم پشت سپهری از نیروهای خائن لبنانی
(موسوم به ارتش لبنان جنوبی) که بارگشت زحمات
اشغالگران صهیونیست در این منطقه را به دوش
می کشیدند. اسرائیل بهار سال ۶۱ خورشیدی،
به بهانه اخراج چریک های سازمان آزادی بخش
فلسطین، به لبنان حمله کرد و در چند هفته تا
پایتخت این کشور، که ۷ سال بود از جنگ داخلی
مرگباری رنج می برد، پیروزی کرد. حزب الله لبنان
چند ماه پس از این مصیبت، با هدف متمرکز
کردن مبارزات گروه های ریز و درشت اسلامگرا
علیه اشغالگران، شکل گرفت. لبنان در نیمه دهه
۶۰ خورشیدی، معجونی بود از شوکران «جنگ
داخلی» و زهر هالاهل «جنگ با دشمن خارجی»
که در جامی از نظام طایفه گرای این کشور آمیخته
شده و صدها هزار نفر را بتدریج و توأم با آرامشی
باورنکردنی، به کام مرگ می فرستاد.

ادامه در صفحه ۶

گزارش

گروه سیاسی: هر زمان ترامپ و
مسئولان دولتش موفق نمی شوند

درباره مسأله ای – چه داخلی و چه خارجی – در برابر قانون
ایستادگی کرده و کار خود را پیش ببرند، دست به دامن
انگ زدن یا اتهام وارد کردن به دیگران می شوند. اخیر این
اتهامزنی ها به ایران نیز ربط پیدا کرده است و ترامپ سعی
دارد شخصا هر کس در مقابل او مقاومت می کند را به ایران
و نظام جمهوری اسلامی مرتبط سازد و یا مثالی می آورد
که نشان دهد این مؤسسه یا فرد در مقابل ایران انعطاف
بیشتری به خرج داده است. همین چند روز پیش بود
که با بالا گرفتن دعوی ترامپ و توثیر بر سر توثیت های
غیرواقعی و دروغ رئیس جمهور آمریکا این شبکه اجتماعی
این اقدام، رئیس جمهور آمریکا – که اخیرا وقت زیادی را در
شبکه های مجازی و بویژه توییتر می گذراند – به جای پاسخ
دادن درباره دروغ پراکنی خود در این شبکه مجازی، با
انتشار عکسی از صفحه توییتر رهبر انقلاب، خواستار بسته
شدن این صفحه به بهانه ضدصهیونیستی بودن آن شد.
این مسأله البته به همین جا ختم نشد، چرا که چند روز
پیش نیز برایان هوک، نماینده ویژه دولت آمریکا در
ایران به بهانه بی خصیصیت بودن شبکه تلویزیونی VOA
فارسی در پیگیری اهداف دولت آمریکا، اعلام کرد این
شبکه «صدای آمریکا» نیست و «صدای ایران» است!
او در یادداشتی که در روزنامه نیویورک پست منتشر
کرد، اعلام کرد شبکه صدای آمریکا باید عملکرد بهتری
در خود در مقابله با ایران به نمایش بگذارد. او همچنین
بیان کرد بودجه ۱۷ میلیون دلاری این شبکه تلویزیونی
برای بخش فارسی در شرایطی از جیب مالیات دهندگان
آمریکایی پرداخت می شود که بینندگان ایرانی این
شبکه و آمریکایی ها، نتوانستند اطلاعات قابل اعتماد و
حقیقت محوری را از برنامه های آن درباره ایران و جمهوری
اسلامی دریافت کنند.

با وجود اینکه تمرکز عمده برایان هوک بر نفوذ نظام
جمهوری اسلامی در بین اعضای ایرانی این شبکه بوده
است تا نشان دهد برنامه های این شبکه نتوانسته اهداف
ترامپ در مقابل ایران را اجرایی سازد، اما در ادامه این
یادداشت او به دلایل دیگری درباره کلستن از میزان
بودجه این شبکه و همچنین احتمال تعطیل کردن آن
توسط دولت ترامپ اشاره کرده که پرده از اهداف واقعی
دوئالد ترامپ از فشار بر این شبکه برمی دارد. در زیر به
چند نمونه از این دلایل اشاره می شود.

۱- همراه بودن با مواضع جمهوری اسلامی

مهم ترین مسأله ای که مدت زیادی است دولت
آمریکا را به این نتیجه رسانده تا در چند مرحله بودجه
صدای آمریکا را کاهش دهد، این ایده است که صدای
آمریکا برخی مواضع موافقان نظام جمهوری اسلامی
را نیز پوشش داده و از آنها حمایت می کند. برایان
هوک در این باره نوشته است: «رئیس جمهور آخرین

صدای آمریکا در نمی آید

است: «سوءمدیریت گسترده ای در این سازمان وجود
دارد. VOA فارسی نتوانسته محیط کار و پرسوه کاری
شفافی ایجاد کند و این مسأله برای دهه ها ادامه داشته
است. گزارشی که سال ۲۰۰۹ توسط دولت اوباما تهیه
شد نشان می داد کارمندان بخش فارسی شبکه صدای
آمریکا بالاترین میزان ناراضی را از کار خود داشته اند و
بارها درباره پارتی بازی و دخالت دادن برخی تعصبات در
استخدام ها شکایت کرده بودند. این گزارش برای شرایط
امروز صدای آمریکا نیز صادق است، چرا که از سال
۲۰۰۹ تاکنون این شکایت ها و نگرانی ها در محل کار به
دلیل رفتار غیر اخلاقی و نادرست همچنان ادامه داشته
است. بر اساس گزارش های دولت، بخش فارسی صدای
آمریکا به همراه آژانسی که مسؤول نظارت بر این شبکه
بوده، یعنی آژانس ایالات متحده برای رسانه های جهانی
(USAGM) همواره به عنوان بدترین محل کار در بین
آژانس های دولتی ایالات متحده انتخاب می شده اند.»

مصادیق فامیل گرایی و پارتی بازی در صدای آمریکا که
در گزارش پژوهشگاه کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۲ به آنها
پرداخته شد به شرح زیر است:

۱- گسترش فامیل گرایی و پارتی بازی در استخدام
کارکنان بدون گزینش و کنترل ۲- پارتی بازی برای
آنتن دادن به گروه های خاصی از اصلاح طلبان به دلیل
سابقه های دوستی و ندان آن تن به دیگر گروه های مهم
۳- استخدام دوستان و آشنایان بدون صلاحیت و تجربه
ایرانی عملا دارای ساختار خاص و محافظه کاری هستند
و بخش برنامه هایی با مضمون جنسی نه تنها به نفع
دیپلماسی عمومی آمریکا نیست بلکه به جذب مخاطب
هم کمکی نمی کند و عملاسب دور شدن مخاطب ایرانی
از رسانه آمریکایی می شود.

۴- فساد مالی و اخلاقی در صدای آمریکا
یکی دیگر از دلایل برایان هوک برای انتقاد شدید از
صدای آمریکا شفاف نبودن عملکرد این شبکه در قبال
بودجه های دریافتی آن است. هوک در این باره نوشته

برسد. با این حال آنطور که برایان هوک بیان کرده است،
دولت ترامپ سال ۲۰۱۸ مایکل پک را برای ریاست این
آژانس در نظر گرفت اما مجلس سنا با این گزینه مخالفت
کرد. پک به گفته برایان هوک، صلاحیت «مایکل پک» در
سنا باید تایید می شد اما این کار انجام نشد که این مسأله
تأثیر بدی روی کارایی صدای آمریکا داشته است و اگر
است رئیس این آژانس باید فردی غیر حزبی باشد، از
نکته جالب درباره مایکل پک اینکه او از نزدیکان استیو

بنن، مشاور پیشین ترامپ در کاخ سفید و از محافظه کاران
دو آتشه واشنگتن است و مجلس سنا ای آمریکا به دلیل
اینکه او را به شدت سیاسی و حزب گردا می داند و معتقد
است رئیس این آژانس باید فردی غیر حزبی باشد، از
منصوب کردن او به این سمت خودداری کرد. در عین
حال به نظر می رسد علت انتخاب پک، شباهت او به ترامپ
در انجام امور اداری نیز باشد. روزنامه نیویورک تایمز چند
روز پیش اعلام کرد دادستان منطقه کلمبیا قرار است
تحقیقاتی را درباره این فیلم ساز مستقل، اجرایی ساز
ماجرا از این قرار است که پک هنگام ریاست یک سازمان
رسانه ای که توسط دولت فدرال نیز به آن بودجه ارائه
می شده است، از کمک های مالی ای که به این سازمان
تلاش دولت ترامپ برای اندوختن مال شخصی استفاده
کرده است. بر ملا شدن این پرونده باعث شده است فشار
جمهوری خواهان به مجلس سنایری تایید صلاحیت پک
نیز فعلا متوقف شود. این در حالی است که گفته می شود
شخص ترامپ اقدامات تازای را برای اجبار سنا به تایید
صلاحیت مایکل پک آغاز کرده و در عین حال کمپین
رسانه ای او جهت تهدید کنگره به تعطیل کردن صدای
آمریکا در همین راستا بوده است.

به نظر می رسد مدیران بخش فارسی صدای آمریکا از
اختلافات پیش آمده در کنگره آمریکا یک دمokratها و
جمهوری خواهان بیشترین استفاده را بردند و جایگاه خود
را در امنیت می بینند. با این حال یادداشت برایان هوک،
کاسته شدن گامبه گاه از بودجه این رسانه و همچنین
تلاش دولت ترامپ برای تعطیلی این رسانه، بیشتر از
اینکه دلیلی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران داشته باشد،
مرتبط با رقابت های حزبی و همچنین تلاش ترامپ برای
به دست آوردن یک رسانه در آمریکا است. او که تاکنون
«فلسک نیوز» رسانه اصلی خود می دانست، اخیرا متوجه
ان واقتادای وارد می کند و از این رو به دنبال تسخیر یک
رسانه برای شخص خودش است.

اعتراضات توییتر به پیام های مبتنی بر دروغ ترامپ، این
روزها او را بیش از پیش قانع کرده است که باید تا زمان
رسیدن به انتخابات ریاست جمهوری راهی برای نفوذ در
رسانه های آمریکایی پیدا کند. این رسانه می تواند حتی
رسانه ای باشد که برای مردم سایر کشورها از راه دور
برنامه های سطح پایین می سازد!